

مبارزه با تبعیض نه تفاوت

«کودک باید در مقابل کلیه اعمالی که ممکن است موجب برقراری تبعیض نژادی و مذهبی و یا هر گونه تبعیض دیگری گردد صیانت شود» (از اصل دهم اعلامیه حقوق کودک)

مزد متفاوت بگیرند و دونفر دانش آموز که از لحاظ معلومات مساویند و سؤال امتحانی را مثل هم جواب داده‌اند، نمره‌های متفاوت بگیرند و دو انسان که هیچ امتیاز معقولی بر یکدیگر ندارند، از احترام متفاوت برخوردار باشند و دوشخص که با یکدیگر اختلاف و نزاع دارند، بدون هیچ مرجع قانونی بین آنها فرق گذاشته شود.

اینگونه تبعیض‌ها خواه بنام مذهب یا بنام نژاد یا بنام قوانین و مقررات باشد، ناروا و ظالمانه است و باید با آنها مبارزه شود و روح لطیف و حساس

تبعیض یک نوع مستم است و از آنجا که زندگی انسان به عدالت اجتماعی نیازمیرم دارد، باید با اشکال مختلف تبعیض مبارزه شود.

لکن لازم است معنی تبعیض را درست بشناسیم تا احياناً بعضی از تفاوت‌هایی که از نظر پاره‌ای از مقررات دینی یا غیردینی میان برخی از افراد وجود دارد، به حساب تبعیض ظالمانه گذارده نشود.

مقصود از تبعیض این است که میان دونفر یا افرادی که از لحاظ استعداد و عمل مساوی هستند فرق گذاشته شود مثلاً دونفر کارگر با انجام کار مساوی



خودداری میکرد، عملاً تن به تبعیض داده بود. در نتیجه هر کسی بقانون شکنی و تجاوز، جرات پیدا میکرد و بعد هم درصدد بندوبست و اعمال نفوذ و پارتی بازی و رشوه دادن می آمده. پدران و مادران باید با کمال انصاف و درایت با فرزندان خود رفتار نمایند و هیچگونه فرقی که ناشی از تبعیض ظالمانه است میان آنها قائل نشوند و آنها را از لحاظ لباس و غذا و محبت به يك چشم نگاه کنند چنانکه اگر یکی از آنها را بوسیدند، دیگری را نیز بوسند تا قلبش آزرده نشود. در پیشگاه مقدس رهبر عالیقدر اسلام مردی یکی از دو فرزند خود را بوسید و از بوسیدن دیگری خودداری کرد. پیامبر فرمود:

چرا در میان آنها به مساوات رفتار نکردی؟! (۲)

در محیط آموزشگاه نیز متصدیان موظفند بهیچ بهانه ای قدم از مرز مساوات فراتر نگذارند و کاری نکنند که کودک و نوآموز از همانجا درس تبعیض بیاموزد و بعد هم در اجتماع پیاده کند.

اما اگر کارگرای دانش آموزیا هر

کودک بوسیده آنها متأثر و آزرده نگردد شکستن اینگونه تبعیض ها موجب برقراری مساوات می شود و در نتیجه، همگان می توانند با آرامش خاطر زندگی کنند. در یکی از روایات آمده است که علی (ع) می خواست، در زمان حکومت خود مجرمی را حد بزند، کسان وی خدمت امام مجتبی (ع) رسیدند و از وی درخواست کردند که پیش پدروساطت کند و او را اذاجرای حکم خدا بازدارد. امام مجتبی (ع) فرمود: علی (ع) نظرش عالی تر از این حرفهاست؛ خودتان بحضورش هرفیاب شوید و تقاضایتان را بیه عرضش برسانید. آنها رفتند و خوشحال برگشتند. زیرا علی (ع) به آنها فرموده بود: هر چه که در قدرت من باشد و از من بخواهید می پذیرم، امام مجتبی وقتی خوشحالی آنها را دید، فرمود: اگر پدرم او را حد بزند چه خواهید کرد؟! بعد آشنیدند که علی (ع) مجرم را حد زده و فرموده است: این کار از قدرت من خارج بود. (۱)

اگر علی (ع) از حد زدن این مجرم

۱- مجلسی بحار الانوار تهران دارالکتب الاسلامیه ۱۳۸۲ ق ج ۴۱ ص ۹
۲- هل ساویت بینهما (مکارم الاخلاق ص ۱۱۳)



در ترکیب خانوادگی نیز عناصر اولیه مولکول خانواده را زن و مرد تشکیل می‌دهند. اگر این دو عنصر هیچگونه تفاوتی باهم نداشته باشند ترکیب آنها غیرممکن است. بواسطه تفاوت است که آنها با یکدیگر میل ترکیبی میکنند. زیرا هر کدام از آنها واجد چیزی است که دیگری فاقد آن است. با ترکیب آنها است که مولکول کاملی پیدا میشود که همه نیازهای موجود در هر یک از عناصر اصلی را تأمین می‌کند.

در جامعه نیز همین قاعده حکمفرماست. صدها و هزارها استعدادات گوناگون در عناصر اولیه اجتماع وجود دارد که از ترکیب آنها با یکدیگر جامعه پیدا می‌شود و جامعه کامل همه چیز را واجد است.

پس اگر بر اساس همین استعدادهای مختلف، تفاوتی از نظر قانون و ارزش کسار افراد قائل شویم، مثلا یکی که هنر و قدرت عملی بیشتری دارد، مزد بهتر و مقام مهمتری بدهیم، این را تبعیض نمی‌نامیم.

همانطوری که باید مواظب باشیم روح کودک را با آن تبعیض‌های ناروا و ظالمانه نیازداریم، باید مواظب

انسانی بر اثر کوشش و زحمت بیشتر با استعداد بهتر، کاری ارزنده تر انجام دهد و مزد با نمره‌ای بیشتر بگیرد، تبعیض نیست. این تفاوتی که وی با دیگران پیدا کرده است، بخاطر همان کوشش و بازده بیشتر است. چنین کاری اگر هم تبعیض نامیده شود، تبعیض عادلانه است نه ظالمانه.

اصولا اینگونه امتیازات لازمه زندگی اجتماعی انسان است. زیرا اگر همه مردم دارای یک استعداد و یک ساختمان باشند، زندگی اجتماعی با اینهمه نیازهای متنوعی که دارد، غیرممکن میگردد.

کلیه ترکیبات - اعم از طبیعی،

اجتماعی و خانوادگی - زائیده همین تفاوتهاست. تفاوت اکسیژن و نیتروژن در این است که اتم اکسیژن بر مدار هسته خود، دو الکترون دارد و نیتروژن یکی. در نتیجه همین تفاوت است که اینها می‌توانند باهم ترکیب شوند و آب را که ماده بسیار سودمند حیاتی است به وجود آورند. اما اگر هر دو اتم از لحاظ تعداد الکترونها مثل یکدیگر باشند ترکیب آنها غیرممکن است. سایر ترکیبات طبیعی نیز چنین است.

باشیم ذهن کودك را با این نوسوع تفاوتها آشنا کنیم و آنچه نانش بیرونانیم که در اینگونه مسوود - عدالت و انصاف - احیاناً حساسیت و حسادت بی مورد نشان ندهد و از این رهگذر برای خود و دیگران ایجاد دردسرهایی نکند زیرا همانظوری که ضرر تبیضی - های ناروا بسیار است ، ضرر عدم تحمل این نوع تفاوتها و تبیضی های عادلانه و روا هم بسیار است .

یکی از اشتباهات بزرگ درمراهم کمونیسیم این است که می گویند: کار هر کس باید به اندازه استعدادش و مزد او باید به اندازه احتیاجش باشد این تراگر بخواهد پیاده شود، نتیجه اش خفه کردن و کشتن استعدادهاست. زیرا کسی که می بیند چه کوشش بیشتری بکند چه نکند و چه استعداد شگرف خود را نشان بدهد چه ندهد، یکسان است و در هر صورت نیازش را جامعه تامین می کند ، هیچ انگیزه ای ندارد که بخواهد زحمت بیشتری متحمل بشود و کار بیشتری بکند . خود کمونیست ها هم هنوز نتوانسته اند این ترا بر مرحله عمل بیاورند .

آئین مقدس اسلام می پذیرد که میان افراد بشر از نظر اصل ساختمان و استعداد تفاوتی وجود دارد و منشا اصلی و حقیقی اینگونه تفاوتها را که لازمه ترکیبات اجتماعی است، صریحاً آفریدگار بزرگ معرفی کرده است . حتی رهبران اسلام این تفاوتها را به خیر مردم میدانند و بر آنند که اگر این تفاوتها از میان برود ، مردم هلاک خواهند شد .

قرآن کریم می گوید : **چرا ادر بر ابر خدائی که شمارا آفونانگون و مختلف آفریده است، تعظیم نمیکنید ؟ ! (۳)**

علی (ع) فرمود : **صلاح مردم همواره در تفاوت آنهاست و اگر همه مساوی باشند ، هلاک می شوند (۴)**

دکتر «آلکسیس کارل» فرانسوی می گوید : «افراد انسانی را نمیتوان چون ماشینهای يك کارخانه یکسان و يك شکل ساخت. از آنجا که افراد آدمی متفاوتند ، تسریع دستة جمعی آنان به خوبی ممکن نیست و مدرسه نمیتواند جای تربیت فردی پدر و مادر

۳- ما لكم لاترجون الله وقادرا وقد خلقكم اطوارا (نوح ۱۳ و ۱۴)

۴- لاتزال الناس بخیر ما تفاوتوا فاذا استنوا هلكوا (بحار طبع قدیم ج ۱۷ ص ۱۰۱)

را بگیرد. آموزگاران همیشه از عهدہ پرورش فکری کودکان خوب بر نمیآیند. تربیت خصائص اخلاقی و هنری و مذهبی کودک نیز ضروری است. نقش پدر و مادر در این امر آنقدر بزرگ است که نمیتوان از آن چشم پوشید.

«اگر اجتماع به شخصیت افراد توجه کند ناگزیر به عدم تساوی آنان اعتراف می نماید. هر کس باید بر حسب خصائص فردی خود مورد استفاده قرار گیرد. زیرا خوشبختی وی با توافق صحیح بانواع کسارش بستگی دارد. ما با تلاش در یکنواخت کردن و یکسان کردن افراد، این اختصاصات را که بسیار مفید بوده اند پایمال کرده ایم. بایستی افراد انسانی را به جای یکنواخت کردن، متفاوت دانست و این اختلاف را با تعلیم و تربیت و عادات زندگی آنان محسوستر ساخت (۵)

اسلام بر اساس تفاوتهایی که از نظر استعداد و عمل میان مردم است، فرقهایی بین آنان قائل شده است.

اما چنین نیست که هر تفاوتی منشأ فرق و تبعیض باشد. بطور کلی هیچیک از تفاوتهای مربوط به رنگ و مال و قوم و قبیله و نژاد و مقام، منشأ تبعیض شمرده نمیشود.

درست است که برخی از بندگان در پیشگاه خداوند گرامیترند ولی منشأ این تفاوت فقط تقوی است که به کوشش انسان در راه اعمال صالح و اجتناب از زشتیها و محرمات بستگی دارد و بنابراین هر که تقوایش بیشتر، در پیشگاه خداوند گرامی تر است (۶) حتی علمی که توأم با تقوی نباشد، شرافتی نمی آورد و فیغنی است در دست راهزن!

اگر اسلام در نظام اجتماعی خود به بعضی، سمت سرپرستی و ولایت و حتی امامت و نبوت میدهد و اختیار و زمام امور بعضی از افراد را به بعضی دیگر می سپارد و احياناً بعضی دیگر را از آن محروم می سازد، هیچ سببی ندارد. جز در نظر گرفتن تفاوتها. ارزش های حقیقی و استعداد و لیاقتی که دستة اول برای پذیرش یکی از آنها دارند و دستة دوم از داشتن آن محرومند.

۵- انسان موجودناشناخته ترجمه دکتر پرویز دبیری اصفهان کتابفروشی

تایید ۱۳۴۰ چاپ چهارم ص ۳۲۷
۶- ان اکرمکم عندالله اتقاکم (حجرات ۱۳)